

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلائل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَابُ طَهَارَةِ الْبَدَنِ وَالتَّوْبِ وَمَوْضِعِ الصَّلَاةِ

طَهَارَةُ الْبَدَنِ وَالتَّمْبُوسِ - وَإِنْ لَمْ يَتَحَرَّكَ بِحَرَكَتِهِ - وَمَا يَمَسُّهُمَا، وَمَوْضِعِ الصَّلَاةِ،
شَرْطُ لِحْصَةِ الصَّلَاةِ^۱

^۱ . دلیل بر پاکی پوشش در نماز:

عَنْ أَسْمَاءَ، قَالَتْ: جَاءَتِ امْرَأَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: أَرَأَيْتَ إِحْدَانَا تَحِيضُ فِي التَّوْبِ، كَيْفَ تَصْنَعُ؟ قَالَ: تَحْتَهُ، ثُمَّ تَقْرُصُهُ بِالْمَاءِ، وَتَنْضَحُهُ، وَتُصَلِّي فِيهِ.
بخاری ۲۲۷

زنی نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: اگر یکی از ما در لباسش حائض شود، خبر بده که چه کاری انجام دهد؟ فرمود: آن را با دست می کند سپس آب را کم کم بر آن می ریزد و می شوید و در آن نماز می گزارد.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: أَكْثَرُ عَذَابِ الْقَبْرِ فِي الْبَوْلِ. اسناده صحیح علی
شرط الشیخین، مسند احمد ۸۳۳۱

بیشترین عذاب قبر در ادرار است.

دلیل بر پاکی مکان در نماز:

عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَبَالَ فِي طَائِفَةِ الْمَسْجِدِ، فَزَجَرَهُ النَّاسُ، فَنَهَاهُمْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا قَضَى بَوْلَهُ أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِذُنُوبٍ مِنْ مَاءٍ فَأَهْرِيْقَ عَلَيْهِ. بخاری ۲۲۱

بادیه نشینی آمد و در گوشه ای از مسجد ادرار کرد. مردم با شدت با او برخورد کردند. رسول الله صلی الله علیه و سلم آنان را از این کار بازداشت. زمانی که آن شخص، ادرارش را تمام کرد رسول الله صلی الله علیه و سلم دستور داد سطل پر از آبی بر آن پاشانده شود.

طهارت بدن و لباس - و اگر چه (آن لباس) با حرکت او حرکت نکند - و هر چه با بدن و ملبوس تماس پیدا می کند و جای نماز، برای صحت نماز شرط است.

وَلَوْ قَبِضَ ظَرْفَ حَبْلِ، أَوْ رَبَطَهُ مَعَهُ، وَظَرَفَهُ الْآخِرُ مُتَّصِلٌ بِنَجِيسٍ، لَمْ تَصِحَّ صَلَاتُهُ.^۲

و اگر قسمتی از طناب را گرفت یا آن را به خودش بست در حالی که طرف دیگر آن به نجاست متصل است؛ نمازش صحیح نشده است.

و [۱] لَوْ تَنَجَّسَ بَعْضُ بِسَاطٍ فَصَلَّى عَلَى مَوْضِعٍ طَاهِرٍ مِنْهُ، وَتَحَرَّكَ الْبَاقِي بِحَرَكَتِهِ، أَوْ [۲] عَلَى سَرِيرٍ قَوَائِمُهُ عَلَى نَجِيسٍ، وَيَتَحَرَّكَ بِحَرَكَتِهِ، صَحَّتْ.^۳

و [۱] اگر قسمتی از فرش متنجس شد پس بر مکان پاک از آن نماز گزارد در حالی که باقی (فرش) با حرکت او حرکت می کند یا [۲] بر تختی که پاهای آن بر نجس است و (آن تخت) با حرکت او حرکت می کند؛ (در هر دو مسأله: نمازش) صحیح است.

وَالنَّجَاسَةُ - غَيْرُ الدَّمِ - إِنْ لَمْ يُدْرِكْهَا ظَرْفٌ يُعْفَى عَنْهَا، وَإِنْ أُدْرِكْهَا لَمْ يُعْفَ عَنْهَا، إِلَّا عَنْ دَمٍ بَرَاغِيثٍ وَقَمَلٍ وَغَيْرِهِمَا، مِمَّا لَا نَفْسَ لَهُ سَائِلَةٌ،^۴ فَيُعْفَى عَنْ قَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ، وَإِنْ انْتَشَرَ بِعَرَقٍ.^۵

نجم: همچنین نهی او صلی الله علیه و سلم از نماز گزاردن در گورستان و کشتارگاه و مانند این دو - که روایت آن در آخر این باب خواهد آمد - و نهی از موارد یاد شده جز نجاست علتی برای آن یافته نمی شود.

^۲ . نجم: زیرا جامه‌ی منسوب به او شرط شده که نجس نباشد و یا با نجاست ملاقات نکرده باشد، به خلاف سجود. اگر بر چیزی سجود کرد که با حرکت او حرکت می کند جایز است زیرا در سجود شرط است که قرارگاه سجود پاک باشد.

فیض الاله المالک: زیرا حمل کننده‌ی نجاست است.

^۳ . زیرا حمل کننده‌ی نجاست نیست و از جهت عرف گفته نمی شود که این نجاست به او متصل است.

^۴ . در بعضی از نسخه‌ها: **يُعْفَى**.

^۵ . مانند مگسی که روی مدفوع مرطوبی بنشیند. در اصل پاهای مگس به نجاست آغشته شده اما وقتی روی لباسی می نشیند از بس این نجاست ریز است که اثر آن دیده نمی شود از این جهت از آن عفو شده است.

و نجاست - به غیر از خون - اگر چشم آن را ندیده است از آن عفو کرده می‌شود؛ و اگرچه چشم آن را دیده است از آن عفو کرده نمی‌شود مگر از خون پشه و شپش و غیر از این‌دو، از آن چیزهایی که برایش خون جاری نیست پس از کمی و بسیاری آن عفو کرده می‌شود و اگر چه با عرق منتشر شود.

وَأَمَّا الدَّمُ وَالْقَيْحُ: فَإِنْ كَانَ مِنْ أَجْنَبِيٍّ عُنِيَ عَنْ يَسِيرِهِ^۶ وَإِنْ كَانَ مِنَ الْمُصَلِّيِّ عُنِيَ عَنْ قَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ، سِوَاءِ خَرَجٍ مِنْ بَثْرَةٍ عَصَرَهَا^۷ أَوْ مِنْ دُمَلٍ أَوْ قَرَجٍ أَوْ فَصْدٍ أَوْ حِجَامَةٍ وَغَيْرِهَا.^۸

^۶ . مانند پشه، زنبور، مور، مورچه، عقرب و...

^۷ . نجم و نهاییه: زیرا بلوا به است و احتراز و دوری کردن از آن مشکل است.

عَنِ ابْنِ أَبِي نَعْمٍ، قَالَ: كُنْتُ شَاهِدًا لِابْنِ عُمَرَ، وَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ دَمِ الْبَعُوضِ، فَقَالَ: مِمَّنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ، قَالَ: انظُرُوا إِلَيَّ هَذَا، يَسْأَلُنِي عَنْ دَمِ الْبَعُوضِ، وَقَدْ قَتَلُوا ابْنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَسَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «هُمَا رَيْحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا». بخاری ۵۹۹۴

ابن ابی نعم می‌گوید: من نزد ابن عمر حاضر بودم که مردی در مورد خون پشه (که به جامه اصابت کند) از وی سوال پرسید. ابن عمر گفت: از کجایی؟ گفت: از اهل عراق. ابن عمر گفت: پسر رسول الله صلی الله علیه و سلم را به قتل رساندند. من از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمود: حسن و حسین دو بوی خوش من در دنیا هستند. وجه دلالت جواب ابن عمر در این است: آنان از خون پشه می‌پرسند که همیشه از آن عفو شده است اما از ریختن خونی که حرام بودن آن قطعی است ابائی ندارند.^۸ زیرا اجتناب از آن، مشقت‌آور است.

عَنْ مُجَاهِدٍ، قَالَ: قَالَتْ عَائِشَةُ: «مَا كَانَ لِإِحْدَانَا إِلَّا تَوْبٌ وَاحِدٌ تَحِيضُ فِيهِ، فَإِذَا أَصَابَهُ شَيْءٌ مِنْ دَمٍ قَالَتْ بِرَيْحَانَتَايَ، فَقَصَعَتْهُ بِظُفْرِهَا». بخاری ۳۱۲

ما تنها یک جامه داشتیم که در آن حائض می‌شدیم. پس هرگاه مقدار کمی از خون به آن می‌رسید با آب دهان خود آن را مرطوب می‌کرد و با ناخنش آن را (به همدیگر) می‌سایید.

۹. قول معتمد این است که اگر آن را بفشارد از قلیل آن عفو می‌شود نه از کثیر آن، چنانچه در نجم، تحفه و نهایه آمده: بنابر قول اصح که اگر آن را بفشارد از قلیل آن عفو شده نه از کثیر آن.

حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرِّيُّ، أَنَّهُ رَأَى ابْنَ عُمَرَ، «عَصَرَ بُرَّةً بَيْنَ عَيْنَيْهِ فَخَرَجَ مِنْهَا شَيْءٌ فَفَتَّهُ بَيْنَ إِصْبَعَيْهِ، ثُمَّ صَلَّى وَلَمْ يَتَوَضَّأْ». صحيح، مصنف عبدالرزاق ۵۵۳

بکر بن عبدالله مزنی گفت: ابن عمر را دید که جوش ریزی که میان دو چشمانش قرار داشت را فشرد. بلافاصله چیزی از آن خارج شد و با دو انگشتش آن را ریز ریز کرد سپس نماز گزارد و وضو نگرفت.

۱۰. عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَعْنِي فِي غَزْوَةِ ذَاتِ الرَّقَاعِ - فَأَصَابَ رَجُلٌ امْرَأَةً رَجُلٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَحَلَفَ أَنْ لَا أَنْتَهِيَ حَتَّى أُهْرِيقَ دَمًا فِي أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ، فَخَرَجَ يَتَّبِعُ أَثَرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَخَرَجَ يَتَّبِعُ أَثَرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْزِلًا، فَقَالَ: مَنْ رَجُلٌ يَكْلُونَنَا؟ فَانْتَدَبَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَرَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَقَالَ: «كُونَا بِفِمْ الشَّعْبِ»، قَالَ: فَلَمَّا خَرَجَ الرَّجُلَانِ إِلَى فِمْ الشَّعْبِ اضْطَجَعَ الْمُهَاجِرِيُّ، وَقَامَ الْأَنْصَارِيُّ يُصَلِّي، وَأَتَى الرَّجُلُ فَلَمَّا رَأَى شَخْصَهُ عَرَفَ أَنَّهُ رَبِيبَةٌ لِلْقَوْمِ، فَرَمَاهُ بِسَهْمٍ فَوَضَعَهُ فِيهِ فَنَزَعَهُ، حَتَّى رَمَاهُ بِثَلَاثَةِ أَسْهُمٍ، ثُمَّ رَكَعَ وَسَجَدَ، ثُمَّ انْتَبَهَ صَاحِبُهُ، فَلَمَّا عَرَفَ أَنَّهُمْ قَدْ نَذَرُوا بِهِ هَرَبَ، وَلَمَّا رَأَى الْمُهَاجِرِيُّ مَا بِالْأَنْصَارِيِّ مِنَ الدَّمِ، قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ أَلَا أَنْبَهْتَنِي أَوَّلَ مَا رَجَيْ، قَالَ: كُنْتُ فِي سُورَةِ أَقْرُوها فَلَمْ أَحِبَّ أَنْ أَقْطَعَهَا. حسن، ابوداود ۱۹۸

در غزوهی ذات الرقاع همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم خارج شدیم. فردی از مسلمانان، زن مشرکی را به غنیمت گرفت. آن مشرک قسم خورد تا زمانی که در میان اصحاب محمد، خون نریزد؛ دست نکشد. پس رد پای رسول الله صلی الله علیه و سلم را دنبال کرد. رسول الله صلی الله علیه و سلم مکانی منزل گرفت و فرمود: چه کسی ما را نگهبانی می‌دهد؟ یک نفر از مهاجرین و یک نفر از انصار داوطلب شدند. ایشان فرمودند: دهانه‌ی تنگه‌ی کوه نگهبانی دهید. وقتی آن دو نفر به دهانه‌ی تنگه رسیدند، مهاجری به یک پهلو دراز کشید و انصاری به نماز ایستاد. آن مشرک از راه رسید و دید که شخصی ایستاده

و اما خون و رییم بی آمیزش خون: پس اگر از بیگانه باشد از کمی آن عفو کرده می شود و اگر از خود نمازگزار باشد از کمی آن و بسیاری آن عفو کرده می شود یکسان است که از جوش ریزی باشد که آن را فشرده است، یا از کورک، یا از زخم، یا از رگ زدن، یا حجامت، یا غیر از این ها باشد.

وَأَمَّا مَاءُ الْفُرُوجِ وَالتَّقَاطَاتِ: إِنْ كَانَ لَهُ رَائِحَةٌ كَرِيهَةٌ فَهُوَ نَجِسٌ، وَإِلَّا فَلَا."

است. دانست که نگهبان قوم است. تیر را در کمان قرار داد و آن را رها ساخت تا این که سه تیر به طرف انصاری شلیک کرد (هر سه تیر، یکی پس از دیگری به او اصابت کرد). مرد انصاری (در حالی که خون از بدنش می آمد به نمازش ادامه داد و) رکوع و سجود کرد. سپس مهاجری بیدار شد. آن مشرک وقتی دانست به وجودش مطلع شدند فرار کرد. وقتی مهاجری، انصاری را دید که با خون آغشته شده، گفت: سبحان الله! چرا اولین تیری که به تو اصابت کرد، مرا خبر ندادی؟ گفت: من سوره ای را می خواندم، دوست نداشتم آن را قطع کنم.

عَنْ جَابِرٍ، أَنَّهُ أَدْخَلَ إِصْبَعَهُ فِي أَنْفِهِ فَخَرَجَ عَلَيْهَا دَمٌ فَمَسَحَهُ بِالْأَرْضِ أَوْ بِالْتُّرَابِ

ثُمَّ صَلَّى. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۴۷۴

از جابر بن عبدالله روایت است که انگشت خویش را در بینی اش فرو برد. پس از بینی اش خون بر انگشتش خارج شد. بلافاصله آن را به زمین یا به خاک کشید سپس نماز گزارد.

عَنْ أَبِي مَعْشَرٍ، قَالَ: وَقَدْ رَأَيْتُ إِبْرَاهِيمَ يُصَلِّي وَفِي ثَوْبِهِ صَدِيدٌ مِنْ حُبُونِ كَانَتْ بِهِ.

مصنف ابن ابی شیبہ ۱۴۸۰

همانا ابراهیم نخعی را دیدم که نماز می گزارد در حالی که در جامه اش خونابه ای از کورک چرکین بود.

۱۱ . آب جوش های چرکین و تاول ها، آبله ها اگر چه بوی بدی داشته باشند باز هم

پاک اند، در منهج آمده: **قُلْتُ: الْمَذْهَبُ طَهَارَتُهُ، وَاللَّهُ أَعْلَمُ.**

عجاله و نجم: همانند عرق، مطلقا پاک است.

حَدَّثَنَا ابْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ أُمِّي، قَالَ رَأَيْتُ طَاوُسًا يُصَلِّي وَكَانَ ثَوْبُهُ نَطَعَ مِنْ قُرُوجِ كَانَتْ

بِسَاقِيهِ. مصنف ابن ابی شیبہ ۱۴۸۱

طاووس را دیدم که نماز می گزارد در حالی که از جوش های چرکینی که بر دو ساقش بود، رنگ لباسش تغییر خورده بود.

و اما آبِ جوش‌های چرکین و تاول‌ها، آبله‌ها: اگر بوی بدی داشته باشد پس آن نجس است و اگر نه (بوی بدی نداشته باشد) پس نه (نجس نیست).

وَلَوْ صَلَّى بِنَجَاسَةٍ جَهْلَهَا أَوْ نَسِيَهَا، ثُمَّ رَأَاهَا بَعْدَ فَرَاعِهِ،^{۱۲} أَعَادَهَا، أَوْ فِيهَا بَطَلَتْ.^{۱۳}

و اگر با نجاستی نماز گزارد که آن را نفهمید یا فراموش کرد سپس بعد از فارغ شدنش (از نماز) آن را دید؛ آن نماز را اعاده می‌کند یا (نجاست را) در نماز (دید)؛ (نمازش) باطل است.

وَلَوْ أَصَابَهُ طِينُ الشَّوَارِعِ: فَإِنْ لَمْ يَتَحَقَّقْ نَجَاسَتَهُ فَهُوَ طَاهِرٌ.^{۱۴} وَإِنْ تَحَقَّقَهَا عُفِيَ عَنْ قَلِيلِهِ عُرْفًا،^{۱۵} وَهُوَ مَا يَتَعَدَّرُ الإِحْتِرَازُ عَنْهُ، وَيَخْتَلِفُ بِالْوَقْتِ، وَبِمَوْضِعِهِ مِنَ الْبَدَنِ وَالثَّوْبِ.^{۱۶} وَلَا يُعْفَى عَنْ كَثِيرِهِ.

و اگر گلِ خیابان‌ها به او اصابت کرد پس اگر نجاست آن را یقین نداشت آن پاک است. و اگر نجاست آن را یقین داشت از کمی آن در عرف عفو کرده می‌شود و (مقصود از کمی آن در عرف) آن چیزی است که اجتناب از آن ناممکن می‌شود و با زمان و مکانش از بدن و لباس اختلاف پیدا می‌کند. و از بسیاری آن عفو کرده نمی‌شود.

وَمَنْ عَجَزَ عَنْ إِزَالَةِ نَجَاسَةٍ بِيَدَيْهِ، أَوْ حُبِسَ فِي مَوْضِعٍ نَجِسٍ، صَلَّى وَأَعَادَ، وَيَنْحَنِي لِسُجُودِهِ بِحَيْثُ لَوْ زَادَ أَصَابَهَا، وَيَحْرُمُ وَضْعُ الْجَبْهَةِ عَلَيْهَا.

و کسی که از ازاله‌ی نجاست در بدنش عاجز شد یا در جای نجسی حبس شد نماز می‌گزارد و اعاده می‌کند و برای سجودش خود را به گونه‌ای خم می‌کند که اگر زیادتر (خود را خم) کند به آن اصابت می‌کند و گذاشتن پیشانی بر نجاست حرام می‌شود.

وَلَوْ عَجَزَ عَنْ تَطْهِيرِ ثَوْبِهِ صَلَّى عُرْيَانًا بِلَا إِعَادَةٍ،^{۱۷} وَلَوْ لَمْ يَجِدْ إِلَّا حَرِيرًا صَلَّى فِيهِ.

^{۱۲} . در بعضی از نسخه‌ها: الْفَرَاعِ.

^{۱۳} . زیرا طهارت که یکی از شروط نماز است یقیناً به جا نیامده است.

^{۱۴} . نجم: زیرا اصالتاً و ظاهراً که در اغلب پاک است.

^{۱۵} . نجم: به خاطر مشقت احتراز از آن. زیرا مردم ناچارند که برای رفع احتیاجات خویش

در کوچه و خیابان‌ها تردد کنند و در اغلب (که این اغلیت بستگی به زمان و مکان دارد) بیش‌تر آنان به غیر از یک لباس، لباس دیگری را نمی‌یابند در نتیجه اگر هر دفعه‌ای که گل خیابان‌ها به جامه‌ی آنان اصابت کند امر کرده شوند آن را بشویند در مشقت واقع خواهند شد.

^{۱۶} . نجم: مثلاً در زمستان عفو می‌شود به غیر از تابستان. و پایین لباس عفو می‌شود به

غیر از بالای آن.

و اگر از طهارتِ لباسش عاجز شد بدون اعاده، برهنه نماز می‌خواند. و اگر به غیر از (لباس) ابریشمی (لباسی دیگر را) نیافت، (واجب است که) در آن نماز بگزارد (و در چنین شرایطی پوشیدن ابریشم برایش گناهی ندارد).

وَإِنْ خَفِيَ التَّجَاسُةُ فِي ثَوْبٍ وَجَبَ غَسْلُهُ كَلَّةً وَلَا يَجْتَهُدُ،^{۱۸} فَإِنْ أَخْبَرَهُ ثِقَةٌ بِمَوْضِعِهَا اعْتَمَدَهُ.

و اگر نجاستی در لباسی مخفی شد شستن تمامی آن واجب می‌شود و اجتهاد نمی‌کند. و اگر شخص با اعتمادی او را از مکان آن نجاست خبر داد به او اعتماد می‌کند.

وَإِنْ اشْتَبَهَ طَاهِرٌ بِمُتَنَجِّسٍ اجْتَهَدَ، وَإِنْ أُمِّكَنْ طَاهِرٌ بِيَقِينٍ، أَوْ غَسَلَ أَحَدِهِمَا.^{۱۹}

و اگر (پارچه‌ی) پاکی با متنجسی مشتبه شد؛ اجتهاد می‌کند و اگر چه (یافتنِ پارچه‌ی) پاکی (غیر از این دو) با یقین ممکن شود یا شستن یکی از آن دو (ممکن شود).

فَإِنْ تَحَيَّرَ صَلَّى عُرْيَانًا وَأَعَادَ، إِنْ لَمْ يُمَكِّنْ غَسْلُ ثَوْبِهِ،^{۲۰} فَإِنْ أُمِّكَنْ وَجَبَ.

پس اگر (در اجتهاد کردن) حیران شد برهنگی نماز می‌خواند و اعاده می‌کند (به شرطی که) اگر شستن لباسش برایش امکان نداشت پس اگر امکان داشت (شستن آن) واجب می‌شود.

^{۱۷} . فیض الاله المالک: زیرا وجود جامه‌ی متنجس همانند عدم آن است.

^{۱۸} . نجم: زیرا جامه یکی است و به نجاست آن یقین دارد و به طهارت آن یقین ندارد. پس یقین را استصحاب می‌کند یا به تعبیری دیگر: شک را رها می‌سازد و یقین را دنبال می‌کند.

فیض الاله المالک: در دو چیز یا بیش‌تر اجتهاد کرده می‌شود. اما در یک چیز اجتهاد کرده نمی‌شود.

^{۱۹} . نجم: در این دو مسأله اجتهاد جایز است. اما اگر جز این دو، جامه‌ی دیگری پیدا نشد یا وقت تنگان بود در این دو مسأله، اجتهاد واجب می‌شود.

^{۲۰} . فتح الوهاب المالک: به خاطر تقصیر او در عدم ادراک علامت. و همچنین در واقع جامه‌ی پاک و جایگاه پاک وجود دارد.

باید دانست که شروط عبادت باید با یقین یا غلبه‌ی ظن انجام پذیرد. پس در موارد مشابه آن باید این قاعده مد نظر گرفت.

وَإِذَا غَسَلَ مَا ظَنَّهُ نَجَسًا صَلَّى فِيهِمَا مَعًا، أَوْ فِي كُلِّ مُنْفَرِدًا،^{۲۱} وَلَوْ صَلَّى بِلَا اجْتِهَادٍ فِي كُلِّ ثَوْبٍ مَرَّةً لَمْ تَصِحَّ.^{۲۲}

و هرگاه (از میان دو لباس،) آن لباسی را شستشو داد که به گمانش نجس است (اجازه دارد) در آن دو (لباس) با همدیگر یا در هر کدام به تنهایی نماز بخواند. و اگر (قبل از شستن،) بدون اجتهاد در هر لباسی یک بار نماز بخواند؛ صحیح نشده است.

وَلَوْ خَفِيَتْ النَّجَاسَةُ فِي فَلَاةٍ صَلَّى حَيْثُ شَاءَ بِلَا اجْتِهَادٍ، أَوْ فِي أَرْضٍ صَغِيرَةٍ أَوْ فِي^{۲۳} بَيْتٍ وَجَبَ غَسْلُ الْكُلِّ. وَلَوْ اشْتَبَهَ بَيْتَانِ اجْتَهَدَ.

و اگر نجاستی در فلاتی پنهان شد؛ هر کجا که بخواد بدون اجتهاد نماز می خواند. یا در زمین کوچکی یا در منزل کوچکی (نجاستی مخفی شد)؛ شستن تمام (آن زمین و منزل) واجب می شود (و نمی تواند اجتهاد کند). و اگر (نجاستی) در دو منزل نامعلوم شد؛ (اجازه دارد) که اجتهاد کند.

وَلَا تَصِحُّ الصَّلَاةُ فِي مَقْبَرَةٍ^{۲۴} عَلِمَ نَبَشَهَا وَاخْتِلَاطَهَا بِصَدِيدِ الْمَوْتَى،^{۲۵} فَإِنْ لَمْ يَعْلَمْ نَبَشَهَا كَرِهَتْ، وَصَحَّ.^{۲۶}

و در گورستانی که از نبش آن و اختلاط آن با چرک و خونابه‌ی اموات آگاهی دارد؛ نماز صحیح نمی شود. پس اگر از نبش آن آگاهی ندارد؛ مکروه است (اما نماز) صحیح است.

^{۲۱} . زیرا یکی از جامه‌ها به اجتهادش پاک بوده و دیگری که اجتهادش بر نجاست آن رفته با شستن، پاک شده است.

^{۲۲} . زیرا در ظن و گمان او احتمال نجاست در هر دو بار وجود دارد.

^{۲۳} . در بعضی از نسخه‌ها بدون: **فِي**.

^{۲۴} . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدٌ إِلَّا الْحَمَّامَ وَالْمَقْبَرَةَ».

آلبانی آن را صحیح دانسته، ابوداود ۴۹۲

زمین تمامی آن مسجد است مگر حمام و گورستان.

^{۲۵} . فیض الاله المالک: اگر بین او و نجاست، حائلی نباشد نماز او صحیح نیست. اما اگر

حائل باشد با کراهت نمازش صحیح است.

^{۲۶} . زیرا وجود نجاست احتمال می رود.

وَتُكْرَهُ فِي حَمَّامٍ^{۲۷} وَمَسْلَخِهِ^{۲۸} وَقَارِعَةِ الطَّرِيقِ، وَمَزْبَلَةٍ، وَمَجْزَرَةٍ^{۲۹} وَكَنِيسَةٍ^{۳۰}،
وَمَوْضِعِ مَكْسٍ^{۳۱} وَخَمْرِ^{۳۲} وَظَهْرِ الكَعْبَةِ، وَإِلَى قَبْرِ^{۳۳} وَأَعْطَانِ الإِبِلِ^{۳۴}، لَا مُرَاجَ

^{۲۷} . دلیل آن حدیث ابوداؤود ۴۹۲ که در بالا گذشت.

^{۲۸} . فیض الاله المالک: علت کراهت نماز در مسلخ همان علتی است که در حمام وجود

دارد.

^{۲۹} . عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ يُصَلَّى فِي سَبْعَةِ
مَوَاطِنَ: فِي الْمَزْبَلَةِ، وَالْمَجْزَرَةِ، وَالْمَقْبَرَةِ، وَقَارِعَةِ الطَّرِيقِ، وَفِي الْحَمَّامِ، وَفِي مَعَاظِنِ
الإِبِلِ، وَفَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ. ضعيف، ترمذی ۳۴۶

رسول الله صلی الله علیه وسلم نهی فرموده که در هفت مکان، نماز گزارده شود: در
زباله‌دانی، و کشتارگاه، و گورستان، و وسط راه، و در حمام و در استراحت‌گاه شتران جهت
آبشخور، و پشت بام کعبه.

^{۳۰} . عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ أُمَّ سَلَمَةَ، ذَكَرَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَنِيسَةً رَأَتْهَا
بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ يُقَالُ لَهَا مَارِيَّةُ، فَذَكَرَتْ لَهُ مَا رَأَتْ فِيهَا مِنَ الصُّورِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أُولَئِكَ قَوْمٌ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الْعَبْدُ الصَّالِحُ، أَوِ الرَّجُلُ الصَّالِحُ، بَنَوْا
عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ، أُولَئِكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ». بخاری ۴۳۴

ام سلمه به رسول الله صلی الله علیه وسلم کنیسه‌ای را بیان کرد که در سرزمین حبشه
آن را دیده بود که به آن ماریه گفته می‌شد. پس آن چه از مجسمه‌ها و بت‌ها دیده بود را به
ایشان بیان کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: آنان قومی‌اند که هرگاه شخص یا
بنده‌ی صالحی از میان‌شان می‌رفت بر روی قبرش مسجدی را بنا می‌کردند و به آن
صورت‌ها مجسمه درست می‌کردند. آنان بدترین و شرورترین مخلوقین نزد الله عزوجل
هستند.

^{۳۱} . فیض الاله المالک: علت کراهت وجود ظلم است.

^{۳۲} . فیض الاله المالک: به خاطر وجود نجاست.

فتح الوهاب المالک: به هر مکانی که معاصی فاحشی در آن انجام می‌گیرد همین حکم
داده می‌شود زیرا مأوای شیاطین است.

^{۳۳} . «لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ، وَلَا تَجْلِسُوا عَلَيْهَا». مسلم ۹۷۲

و (نماز خواندن) مکروه می‌شود: در حمام، و جایی که جامه در گرمابه بَرکنند (رخت‌کن)، و وسط راه، و زباله‌دانی، و کشتارگاه، و عبادتگاه مسیحیان (و هر عبادتگاه غیر اسلامی)، و مکانی که پول زور از مردم می‌گیرند، و (مکان تهیه‌ی) خمر، و پشت بام کعبه، و بسوی قبر، و استراحتگاه شتران جهت آبشخور، نه (در) آغل گوسفندان.

وَتَحْرُمُ فِي تَوْبٍ وَأَرْضٍ مَّغْضُوبِينَ،^{۳۶} وَتَصِحُّ بِلَا تَوَابٍ.^{۳۷}

و (نماز خواندن) در لباس و زمین غصبی حرام می‌شود. (ولی با وجود حرام بودن، نمازش) بدون ثواب صحیح می‌شود.

بسوی قبر نماز نگزارید و (جهت قضای حاجت) بر روی قبر نشینید.

^{۳۴} . عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَصَلِّي فِي

مَرَابِضِ الْغَنَمِ؟ قَالَ: «نَعَمْ» قَالَ: أَصَلِّي فِي مَبَارِكِ الْإِبِلِ؟ قَالَ: «لَا». مسلم ۳۶۰

جابر بن سمره می‌گوید: مردی از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسید: آیا در محل استراحت‌گاه گوسفندان نماز بخوانم؟ ایشان فرمودند: بله. آن مرد گفت: آیا در محل استراحت‌گاه شتران نماز بخوانم؟ ایشان فرمودند: نه.

^{۳۵} . عَنْ أَنَسِ قَالَ: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي، قَبْلَ أَنْ يُبْنَى الْمَسْجِدُ،

فِي مَرَابِضِ الْغَنَمِ». بخاری ۲۳۴

قبل از این که مسجدالنبی ساخته شود رسول الله صلی الله علیه و سلم در استراحت‌گاه گوسفندان، نماز می‌گزارد.

^{۳۶} . زیرا تحریم برای امر عارضی است که ملازم نماز نیست.

^{۳۷} . به خاطر عقوبت او. زیرا بدون حق به ملک دیگران، تعدی و تجاوز کرده است.